

## میان کنش حق بر بدن زوجه و اختیارات زوج در عمل‌های جراحی زیبایی

عطیه مقدم فر<sup>۱</sup>، مهسا نیکوکار<sup>۲</sup>

### چکیده

**هدف:** عمل جراحی زیبایی از جمله مسائل مستحدثه در فقه است که به شکل کنونی در عصر معصومین مطرح نبوده ولی می‌توان احکام آن را از میان قواعد فقهی و متون روایی استنباط کرد. شیوع این رویداد میان زنان و تعارضاتی که بین زوجین از قبل آن حاصل می‌شود بیانگر هدف از انتخاب این موضوع است.

**مواد و روش:** این پژوهش، با بهره‌گیری از آیات و روایات، داده‌های کتابخانه‌ای و نرم‌افزاری را به صورت توصیفی و تحلیلی پردازش کرده است.

**یافته‌ها:** دانشمندان فقه پیرامون جواز جراحی زیبایی نظرات مختلفی بیان نمودند که با تبیین ادله فقها می‌توان دریافت که جراحی زیبایی وجهی از تغییر خلقت بشمار نمی‌آید و با بهره‌گیری از منابع نقلی مشروعیت آن قابل استنتاج است. همچنین قوامیت زوج در نصوص دینی به معنای سلطه‌گری نیست بلکه به مقتضای مسئولیت مرد مدیریت خانواده را به دنبال دارد که این امر تعارضی با حق بر بدن زوجه ندارد.

**نتیجه‌گیری:** بر اساس قاعده فقهی تسلیط زوجه حق سلطه بر بدن خود را داراست و قوامیت زوج بر اعطای مسئولیت و مدیریت مرد منافاتی با اختیار زوجه بر بدن خود نداشته و اصل، عدم ولایت مرد است البته این استقلال زوجه تا جایی وارد است که مانع حق استمتاع جنسی شوهر نشود.

**کلیدواژه‌ها:** اذن و اجازه، جراحی زیبایی، حق بر بدن، قاعده تسلیط.

\*۱. نویسنده مسئول، استادیار، گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده رفاه، تهران، ایران moghadamfar@refah.ac.ir

۲. کارشناسی ارشد، گروه حقوق خانواده، دانشکده رفاه، تهران، ایران

## مقدمه

خداوند متعال تمایل به زیبایی را در فطرت انسان‌ها نهاده و انسان در تلاش است تا در زندگی زینت و پیراستگی برخوردار باشد. روایات نیز همواره بر آراستگی و داشتن ظاهری زیبا تأکید داشته و البته ثغور و شرایطی را برای آن لحاظ کرده‌اند.

ملاک‌های زیبایی در اعصار گوناگون متنوع بوده و یکی از پدیده‌های مستحدثه و نوظهور در این زمینه، عمل‌های جراحی زیبایی است. در عصر ما با توجه به تغییر و تحول سبک زندگی شاهد گسترش و تعدد انواع این عمل‌ها به‌خصوص میان زنان هستیم و با پیشرفت علم پزشکی به‌تدریج در آینده رشد فزاینده‌ای خواهد داشت و هرروز افراد زیادی دست به این جراحی‌ها می‌زنند. از این‌رو، با توجه به فراوانی آن، نیازمند تحلیل فقهی در متون دینی و مستندات آن هستیم.

علاوه بر تبیین حکم فقهی عمل‌های جراحی زیبایی، نظر به آن‌که یکی از چالش‌های موجود تعارضاتی است که بین زوجین اتفاق می‌افتد. بحث تراحم حق بر بدن زوجه و قیمومیت و لزوم استیذان از زوج است که در نظام حقوقی مطرح بوده است. در این مسأله خلأهایی قانونی موجود بررسی و قواعد و متون فقهی را تبیین خواهیم کرد.

تحقیق در خصوص حق بر بدن زوجه و تعارض آن با اختیارات و قوامیت زوج، یکی از موضوعات مهم و چالش‌برانگیز در فقه و حقوق زنان است. اهمیت و ضرورت این تحقیق به چند دلیل برمی‌گردد:

۱- تحلیل حقوقی و فقهی: بررسی این موضوع می‌تواند به تحلیل‌های دقیق‌تری در حوزه حقوق خانواده، حقوق زنان و مسائل فقهی منجر شود. این تحلیل می‌تواند به فهم بهتر قوانین موجود و چگونگی تطابق آن‌ها با نیازهای اجتماعی کمک کند.

۲. حقوق بشر و برابری جنسیتی: حق بر بدن یکی از حقوق اساسی انسان است. تحقیق در این زمینه می‌تواند به شناخت

بهتر نقض‌های احتمالی این حق و آسیب‌پذیری‌های زوج در برابر قوامیت مردان کمک کند و به ارتقای آگاهی عمومی درباره حقوق زنان منجر شود.

۳. تعارض‌های اجتماعی: در بسیاری از جوامع، قوامیت مرد در خانواده به معنای قدرت و کنترل مرد بر زن تلقی می‌شود. این موضوع می‌تواند به تعارض‌های بین فردی و اجتماعی منجر شود. بررسی این تعارض‌ها و یافتن راهکارهایی برای بهبود وضعیت می‌تواند به امن‌تر شدن محیط‌های خانوادگی کمک کند.

۵. مداخلات سیاست‌گذاری: نتایج این تحقیق می‌تواند به سیاست‌گذاران و مسئولین کمک کند تا برنامه‌ها و قوانین بهتری را در راستای حمایت از حقوق زنان و خانواده‌ها پیشنهاد دهند.

به‌طورکلی، تحقیق در این زمینه می‌تواند به تعمیق فهم ما از حقوق زنان، قوامیت و عدالت اجتماعی کمک کند و به بررسی و تحلیل چالش‌های موجود در این زمینه‌ها بپردازد.

## روش بررسی

پژوهش بر پایه تبیین آیات، روایات و مطالعه کتب دسته اول فقه و قواعد فقهی انجام پذیرفته است. روش تحقیق، کتابخانه‌ای است چراکه ابتدا به توصیف مفاهیم و تعاریفی مانند اختیارات زوجه، حق زوجه بر بدن خود و ... پرداخته شد سپس تحلیل و ارتباط این مفاهیم با عمل جراحی زیبایی و حق زوجه بر بدن خود مورد واکاوی قرار گرفت.

از پایان‌نامه‌های کتابخانه دانشکده رفاه، شهید بهشتی، کتب و مقالات پژوهشگاه‌های اسلامی هم چون پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی استفاده شد.

این پژوهش، با روش نقلی (آیات و روایات)، داده‌های کتابخانه‌ای و نرم‌افزاری را به شکل توصیفی و تحلیلی پردازش

کرده است.

### پیشینه تحقیق

مریم سادات محقق داماد و معصومه منفرد در مقاله «جراحی زیبایی و اختیار جدایی زوجه در نظام حقوقی ایران» که در سال ۱۴۰۰ به چاپ رسیده است، هدف در این مقاله بررسی مواردی است که عدم انجام عمل جراحی زیبایی به عنوان شرط ضمن عقد نکاح قید شده یا فرد به جهت انجام عمل جراحی زیبایی، نمی‌تواند وضع جدید ظاهری زوجه را پس از انجام عمل تحمل کند. در این صورت نگارنده با استفاده از ظرفیت فقهی حقوقی قاعده شروط و مستند به نظریه جدایی یک‌جانبه (خلع افتدایی)، به چینش استدلال خود برای اختیار جدایی زوجه در موارد فوق پرداخته است.

هم‌چنین حسن فرج پور در پایان‌نامه «بررسی فقهی حقوقی جراحی زیبایی و ترمیمی با تکیه بر دیدگاه امام خمینی» که در سال ۱۳۹۷ در پژوهشکده امام خمینی دفاع شده است، اشاره دارد که دانش جراحی پلاستیک یکی از دستاوردهای جدید پزشکی در دوشاخه ترمیمی، زیبایی است. هدف از انجام تحقیق بیان حکم شرعی جواز یا عدم جواز جراحی زیبایی و ترمیمی از دیدگاه فقها و با تکیه بر نظر امام خمینی (ره) و همچنین تبیین حقوقی موضوع مورد پژوهش و تطبیق مبانی فقهی با ماده‌های قانونی است.

از این رو رویکرد مقاله حاضر با پژوهش‌های پیشین متفاوت است چراکه در این پژوهش به دنبال یافتن تراحمات موجود میان حق زوجه بر بدن خود و به‌نوعی استقلال وی در عمل‌های جراحی زیبایی با اختیارات و میزان مداخلات زوج در این مسأله هستیم.

### مفهوم‌شناسی

#### حق بر بدن

موجودیت انسان در بدن او تجلی پیدا می‌کند و انسان را

با بدن وی می‌شناسند و در واقع به‌صورت شکلی هویت وی را شکل می‌دهد. از منظر منطقی و فلسفه ابزار عام ادراک انسان بدن است. با این وصف بشر در ارتباطی بی‌نظیر با بدن خود قرار دارد و بدن در نظام فکری انسان، جایگاهی ویژه یافته است، در علوم نوین امروز نیز بدن دارای جایگاه مشخصی شده است و تصرفات انسان در بدن خود، می‌تواند حقوقی را برای وی در پی داشته باشد ولی این موضوع چالش‌هایی را داشته است که در چارچوب مسائل فرهنگی، مذهبی، اخلاقی مطرح می‌باشند. میزان این تصرف می‌تواند متفاوت باشد و میزان تصرفات در کشورهای مختلف بسته به فرهنگ آن‌ها متفاوت است. این در حالی است که قواعد عمومی نظام اموال پاسخگو و قادر به تنظیم روابط جدید انسان با بدن خود نیستند چراکه تصرف در اشیا حساسیت‌های اخلاقی را به همراه نداشته است، اما بدن جایگاه عالی و ویژه‌ای در نظام اندیشه بشری دارد، بنابراین تصرفات در بدن پرسمان انگیز و همراه با حساست‌های اخلاقی است (۱).

فیزیک بدن به‌طور کلی تخطی ناپذیر است و حق بر بدن این مسئله را ثابت می‌کند و استقلال شخصی، سرنوشت انسان و مالکیت بر بدن را بیشتر مطرح می‌سازد. این بحث با حقوق بشر نیز در ارتباط است و چنانچه تمامیت بدنی نقض گردد، اغلب غیراخلاقی و در برخی موارد مجرمانه در نظر گرفته می‌شود (۲).

### قاعده تسلیط

قاعده تسلیط یکی از مهم‌ترین قواعد فقهی است و بر اساس این قاعده، هر شخصی نسبت به مال خود سلطنت دارد و هرگونه تصرف در آن مال اعم از خرج و یا تلف آزاد است. این تصرف هم مادی می‌تواند باشد و هم معنوی و منع تصرف او بدون مجوز شرعی نیز جایز نیست چراکه الناس مسلطون علی اموالهم. در مورد کاربرد این قاعده بر اساس نظر صاحب‌نظران

اختلاف است. اینکه این قاعده بر اموال حاکم است یا می‌تواند شامل بدن نیز شود، سؤال اصلی است (۳).

### اذن و اجازه

«اذن» در لغت به معنای اعلام اجازه و رخصت امر و فرمان اطاعت و اراده آمده است (۴ و ۵). در یکی از فرهنگ لغات حقوقی در توضیح واژه اذن گفته شده: «عمل اجازه دادن؛ اجازه یا اختیار برای انجام چیزی.» (۶). اذن در اصطلاح حقوقی انشای رضایت مقنن یا مالک یا نماینده قانونی او یا کسی که قانون برای رضایت او اثری قائل شده است به یک یا چند نفر معین یا اشخاص غیر معین، برای انجام دادن یک عمل حقوقی یا تصرف خارجی است (۷).

از منظر حقوقی، اذن را باید واقعه حقوقی دانست که اذن دهنده ملاک اصلی آن را تعیین می‌کند. البته در مورد واقعه حقوقی بودن آن یا عمل حقوقی بودن آن اختلاف وجود دارد. برخی معتقدند که وقتی اذن داده می‌شود، مفهوم حقوقی انشا می‌شود و در نتیجه عمل مزبور عمل حقوقی است (۸).

رضایت به این خاطر مطرح می‌شود که در مراکز درمانی و بیمارستان‌ها، قبل از اینکه عمل جراحی صورت گیرد، رضایت‌نامه‌هایی باید از سوی بیمار امضا شوند که اذن و رضایت در آن‌ها ملاک است. اثر حقوقی که می‌توان به این رضایت‌نامه‌ها مترتب دانست، جواز تصرف و اباحه است که با مذاقه در متون فقهی می‌توان به این موارد دست‌یافت (۹).

### جراحی زیبایی

جراحی زیبایی بعد از پیشرفت‌هایی که در حوزه پزشکی رخ داد، تقریباً از دهه ۸۰ میلادی از آمریکا و غرب رشد داشت. اینکه چه معیاری زیبایی محسوب می‌شود، از هر جامعه‌ای به جامعه دیگر متفاوت است و بسته به ارزش‌های آن جامعه می‌تواند متغیر باشد ولی در دنیای امروز و اینترنت، معمولاً زیبایی و معیارهای آن به امری جهانی تبدیل شده و تقریباً در همه جوامع که مخاطب آن‌ها اینترنت است، معیارهای زیبایی

به صورت مشترک مورد توجه قرار گرفته است (۱۰).

جراحی زیبایی شامل سلسله اقداماتی است که باهدف زیبایی برای ترمیم ساختار ظاهری عضو انجام می‌شود که ضرورتاً دارای هدف پزشکی و درمانی نیست و ظاهر فرد را ارتقا می‌بخشد و از نظر روانی اعتماد به نفس او را تحت الشعاع قرار می‌دهد (۱۱).

### مبانی نظری حق بر بدن در فقه

مطابق آنچه در فقه آمده است، در باب حق بر بدن می‌توان مواردی را یافت که حدود تصرف انسان را بر بدن به صورت طبقه‌بندی شده استخراج کرد.

انسان با اموال و اشخاصی مختلف روابط مختلفی دارد که به صورت‌های گوناگون می‌توان تفسیر کرد. این حقوق هم می‌تواند عینی باشد هم دینی. در مورد حقوقی مختلفی که در قانون مدنی آمده است، حق انتفاع به عنوان زیرمجموعه‌ای شناخته می‌شود که در حقوق مالکیت کاربرد دارد (۱۲). در حق انتفاع شخص از عین مال دیگری که وجود دارد، استفاده می‌کند و این موضوع به خاطر قراردادی است که معمولاً بین مالک و شخص وجود دارد (۹).

از این منظر رابطه انسان با انسان را نمی‌توان همانند حق انتفاع در نظر گرفت. در این موضوع اعضای انسان متعلق به شخص است و شخص اختیار بدن خود را دارد (۱۳).

روابط مختلفی در مورد بدن و حق انسان در مورد آن وجود دارد که می‌توان به طریق آن حق انسان در تصرف بر جسم خود را استخراج کرد. لذا در زیر به آن‌ها می‌پردازیم.

### رابطه مالکیت

کامل‌ترین حقی که شخص می‌تواند نسبت به ملک یا مایملک خود اعمال کند، مالکیت است که به صورت حق دائمی در نظر گرفته می‌شود و فرد می‌تواند در مال و اموال خود تصرف کند و منافع مربوطه را نیز در اختیار داشته باشد (۱۴). مالکیت نسبت به عین و منفعت ایجاد می‌شود که در ماده

## میان کنش حق بر بدن زوجه و اختیارات زوج...

۲۹ قانون مدنی مورد اشاره قرار گرفته است. بر این اساس رابطه انسان با بدن خود را می‌توان مالکانه نامید. دلیل این امر را می‌توان چنین تشریح کرد که تسلط ذاتی و تکوینی انسان بر اعضای بدن خود امری است که باید همواره مورد توجه قرار گیرد. همچنین تعابیری که شارع در آیات قرآن و قانون‌گذار در برخی مواد قانونی به صورت ترکیب اضافی میان انسان و اعضای بدن او استفاده کرده‌اند، مؤید وجود این رابطه است. در مقابل گروهی دیگر معتقدند انسان مالک اعضای بدن خود نیست زیرا اعضای بدن انسان ملک خداوند است و اثبات مالکیت انسان بر اعضای بدن خود، نیازمند دلیل است و آنچه در شرع تحت عنوان حق انسان بر عضو از اعضای بدنش مطرح شده، مقتضای مالکیت انسان بر آن‌ها نیست بلکه در جهت محافظت از آن‌ها است (۱۵).

### رابطه حقوقی

رابطه حقوقی را می‌توان در چارچوب حق دینی و عینی در نظر گرفت که حقوق عینی به دو بخش اصلی و تبعی تقسیم می‌شود. با توجه به آنچه در قانون مدنی وجود دارد، می‌توان سه نوع حق عینی را در نظر گرفت که یکی از آن‌ها حق ارتفاق است و در مورد رابطه اعضای انسان صدق نمی‌کند و با توجه به ماده ۹۳ قانون مدنی این حق مخصوص املاک و اراضی است. در نتیجه، «حق ارتفاق» در بحث رابطه انسان با اعضای بدن خویش جایگاهی ندارد و موضوع بحث از آن خارج است موضوع دیگر حق انتفاع است که شخص با توسل به آن با اموال و اشیا ارتباط پیدا می‌کند (۱۶). در فقه اصطلاحاتی مانند «السکنی»، «العمری» و «الحبس» مطرح است که معنای آن با «حق انتفاع» سازگاری دارد (۹ و ۱۴).

### رابطه حقیقی

این مالکیت عبارت از حقی دائمی در اثر توانایی و سلطنت تام شخص در حدوث و بقای ملک است (۱۷)؛ و از سوی دیگر وابستگی مطلق ایجاد و دوام ملک به وجود شخص ایجاد

می‌شود به موجب این حق تمامی تصرفات به مالک اختصاص می‌یابد این نوع مالکیت بدون قید و شرط است و مالک می‌تواند هرگونه تصرفی در مملوک خود انجام دهد (۱۸). مثالی که برای این نوع مالکیت می‌توان زد مالکیت خدا نسبت به مخلوقات و مالکیت انسان بر تصور ذهنی خویش است. برخی مالکیت حقیقی را به دو قسم مالکیت محدود و مطلق تقسیم مالکیت انسان نسبت به اعضا و جوارح خود را از نوع محدود می‌دانند که انسان بااراده می‌تواند در جوارح خود تصرف کند اما چون خود انسان موجودی محدود است مالکیت وی نیز محدود خواهد بود (۱۹). برخی از فقها در تفسیر ملک چنین بیان کرده‌اند که وجود چیزهایی که قائم به ما بوده و هستی جداگانه‌ای از ما ندارند، ملک ما تلقی می‌شوند مانند اعضای بدن که به علت سلطه تکوینی، مالکیت حقیقی داریم (۲۰).

بدیهی است که چنین رابطه‌ای بین انسان و اعضای بدن او برقرار نیست چراکه انسان توانایی و سلطنت تام نسبت به اعضای بدن خود ندارد و نمی‌تواند به صورت بدوی یا گاهی مجدد، اعضای بدن را ایجاد کند و بقای اعضای بدن وابسته و قائم به ذات او نیست. از طرفی مالکیت در صورتی تکوینی است که بدون قید و شرط باشد و این در حالی است که انسان در برابر جسم خود مسئول است و مطابق آیات و روایات فراوان وارده در این مورد، اختیار تام بر جسم خود ندارد بلکه با وجود محدودیت‌هایی، انجام کارهایی که موجب ایراد جراحات یا ضرر به بدن شود ممنوع اعلام شده است (۱۲).

### رابطه اعتباری

مالکیت اعتباری به معنای داشتن سلطه اعتباری بر چیزی است و در واقع محصول جعل و وضع است و باید از سوی شارع مقدس یا بر اساس قرارداد یا اعتباری خاص از سوی قانون‌گذار اعطاشده باشد (۱۷).

این مالکیت مورد پذیرش شریعت حقوق و قانون مدنی ایران است که دارای ویژگی‌هایی است. از جمله ویژگی‌های

دیه که برای جبران خسارت ناشی از تقویت منفعت است، کیفر مجازات نیز هست و پرداخت دیه لزوماً به معنای مالیت عضو نیست. دیه نه به عنوان عوضی در برابر اعضاء بلکه به عنوان غرامت است چراکه اصل اولیه در مورد قطع عمدی اعضای بدن قصاص است نه دیه بنابراین دیه عوض عضو مقطوع نیست (۱۲).

#### رابطه امانت

این نوع رابطه دارای منشأ دینی است و طرح این موضوع به سبب روابطی است که انسان‌ها را امانت‌دار خدا قلمداد می‌کند و انسان در واقع روحی است که بدن به وی امانت داده شده و مرگ و زندگی در دست ذات احدیت قرار دارد و از این منظر انسان حق ندارد به بدن خود آسیب زند یا حتی خود را به قتل رساند و به هر شکلی که این بدن آفریده شده است، مصلحت خداوندی بوده است. (۲۱).

#### رابطه سلطه

برخی از فقها حق و سلطنت بر شیء را یکسان در نظر گرفته و آن را مرتبه ضعیفی از مالکیت دانسته‌اند (۲۴)؛ اما برخی دیگر حق و ملک را از مقوله سلطنت جدا می‌پندارند و در چارچوب یک اعتبار عقلایی مستقل در نظر می‌گیرند (۲۵). سلطنت به معنای مسلط شدن بر اموال یا چیزی و قدرت اعمال قدرت بر آن است و فراتر از مفهوم مالکیت است؛ مانند صغیر و مجنون که مالک مالی هستند اما قدرت تسلط بر آن را ندارند و در بسیاری از موارد سلطنت وجود دارد اما ملکیتی در کار نیست. (۲۶).

از سویی بر اساس قاعده فقهی تسلیط برخی از فقها قائل بر وجود این حق بر نفس هستند معتقدند همان‌گونه که انسان بر اموالش مسلط است بر نفس خود نیز مسلط است و در محدوده‌ای که منع شرعی، قانونی یا عقلی وجود نداشته باشد مجاز به تصرف است (۲۷). آنچه به نظر می‌رسد این است که این قاعده میزان و محدوده سلطنت در جسم را مشخص

ذکرشده برای این مالکیت می‌توان به مطلق انحصاری و دائمی بودن اشاره کرد. در رابطه با مالکیت اعضا می‌توان گفت رابطه یا حقی دائمی که بین انسان و اعضای بدن وی اعتبارشده و قانون (شرع) آن را معتبر شناخته است و شخص به‌موجب چنین حقی می‌تواند در حدود قوانین تصرف در اعضایش را به خود اختصاص دهد (۱۳). این در حالی است که انسان برای انجام هرگونه اقدامی آزاد نیست و با محدودیت‌هایی که مانع از ورود ضرر و زیان به او می‌شود روبه‌رو است. برای ایجاد حق مالکیت اعتباری نسبت به چیزی احتیاج به اسباب و علل است و مالکیت ابتدایی یا انتقالی نیاز به دلیل دارد. مطابق ماده ۱۴۰ قانون مدنی اسباب تملک منحصر و محدود در حیات مباحات، عقود و تعهدات، اخذ به شفعه و ارث است. با بررسی این موارد پی می‌بریم که هیچ‌یک از این اسباب نمی‌توانند سبب مناسبی برای اثبات مالکیت انسان بر اعضای بدن خود باشند و اضافه نمودن سبب دیگر نیازمند نص است که چنین نصی وجود ندارد بنابراین مالکیت اعتباری نیز قابلیت صدق بر رابطه انسان با اعضای بدن خود ندارد (۲۱).

#### رابطه ذاتی

مالکیت ذاتی نسبتی تکوینی است یعنی برای تحقق نیاز به سببی خارجی و یا اعتبار از سوی شخص یا گروهی معین ندارد و فرد ذاتاً برای تصرف در نفس خود ملکیت دارد (۱۷). گروهی از حقوقدانان که قائل به مالکیت ذاتی انسان بر اعضای بدن خود هستند حکم به وجوب دیه را دلیلی بر این نوع مالکیت دانند. به این صورت که هر چه جراحت وارده بر عضو بیشتر باشد میزان دیه افزایش می‌یابد (۲۲). عده‌ای از حقوقدانان این رابطه را از مصادیق بارز مالکیت ذاتی و طبیعی دانسته‌اند چراکه معتقدند تصرف و حق اختصاصی نسبت به شیء برای حصول ملکیت کافی است بنابراین نمی‌توان تصرف انسان بر این‌گونه اشیاء را سلب کرد و آن را غیرقانونی دانست (۲۳). در رد نظریه بالا می‌توان چنین گفت که اولاً اصل تعیین

## میان کنش حق بر بدن زوجه و اختیارات زوج...

نمی‌کند بلکه فی‌الجمله اثبات سلطنت می‌کند اما این به معنای جواز تصرف بی‌قید و شرط نیست چراکه انسان تسلط کامل و مطلق بر اعضای بدن خود ندارد از طرفی این قاعده با محدودیت‌هایی همچون حرمت اضرار به نفس اذلال، نفس، حرمت قتل نفس خودکشی و غیره روبه‌رو است (۱۲)

### تبیین تمکین زوجه و اذن زوج

در مسائل پزشکی برخی بر این عقیده می‌گویند که زوج از باب وجوب تمکین باید از زوج اجازه بگیرد. برخی هم بر این عقیده هستند که نیازی به اجازه در مسائل پزشکی نیست. از سوی دیگر در مورد سلامت جسمانی نیز اخذ رضایت دارای شرایطی است که خود بیمار باید بدهد و این مسئله به خاطر مسئولیت کیفری پزشک است (۲۸).

در جراحی‌های زیبایی که غالباً ضروری نیستند و بیمار با رضایت خود اقدام به جراحی زیبایی می‌کند، این سؤال مطرح است که این رضایت صرفاً رضایت مبتنی بر بیمار است یا اینکه زوج هم بایستی برای جراحی زیبایی همسرش رضایت دهد یا نه؟

### تمکین زوجه

بر طبق ماده ۱۱۱۴ قانون مدنی زن باید در منزلی که شوهر تعیین می‌کند سکنی نماید مگر آنکه اختیار تعیین منزل به زن داده شده باشد، اما حق تمکین برای زوج استثنائی دارد و آن زمانی است که زوج دوشیزه باشد یا بین زوجین نزدیکی واقع نشده باشد و بخواهد از حق حبس خود استفاده کند.

تمکین در ادله شرعی موضوع حکمی قرار نگرفته است، یعنی در هیچ آیه و روایتی حکمی بر تمکین مترتب نشده بلکه این واژه انتزاعی است که فقیهان از ادله به دست آورده‌اند، لذا گاهی لفظ «تسلیم» یا «امکان» را به جای تمکین به کار می‌بردند. در کتاب‌های فقهی موضوع تمکین عنوان مستقلی ندارد و تنها در ضمن مباحث نفقه مهر و نشوز ذکر شده است.

در بحث نفقه یکی از شرایط وجوب نفقه بر مرد، تمکین کامل ذکر می‌شود که در مقابل، آن تمکین ناقص است (۲۹). منظور از تمکین خاص در بین حقوقدانان ظاهراً همان تمکین کامل در عبارت فقها است (۳۰).

تمکین عام عبارت است از حسن معاشرت زن با شوهر خود و اطاعت از او در امور مربوط به زناشویی و حسن معاشرت نیز شامل اطاعت زن از شوهر و خوش‌رفتاری و خوش‌رویی زن نسبت به او رعایت نظافت و آرایش خود برای شوهر آن‌گونه که مقتضای زمان و مکان و موقعیت خانوادگی آنان است و خارج نشدن از منزلی که شوهر معین نموده و یا زن آن را طبق حق مکان انتخاب کرده، مگر در موارد معینی؛ بنابراین رفتن زن به منزل خویشاوندان خود اگرچه پدر و مادر و یا اولاد باشند احتیاج به اجازه شوهر دارد همچنین مراد از اشخاص دیگر نیازمند چنین اجازه‌ای است (۳۱). فقها از تمکین خاص در اصطلاح حقوقدانان مسلمان با عنوان تمکین کامل یا تام نام می‌برند و معتقدند تمکین کامل (خاص) عبارت از آن‌که زن میان خود و شوهر حائلی قرار ندهد؛ به طوری که در زمان یا مکان خاص خود را به او بسپارد (۱۴).

### لزوم استیذان

فقها برای بیان محدوده استیذان به سراغ مصادیق آن رفته و با ذکر آن‌ها نظر خود بیان نموده‌اند. گروهی از فقها، استیذان از زوج را به طور مطلق واجب می‌دانند. سخنان بسیاری از فقهای متقدم و متأخر امامیه، از جمله شیخ مفید، شیخ طوسی، ابوالصلاح حلبی، علامه حلی، امام خمینی و آیت‌الله سیستانی مؤید این نگاه است.

گروه دوم، استیذان را مقید به قید منافات نداشتن با حق زوج در استمتاع تام از زوجه می‌دانند. فتوای برخی از فقهای معاصر، مانند آیت‌الله خویی، سید محمدحسین فضل‌الله، آیت‌الله محمد موسوی بجنوردی ناظر به این دیدگاه است (۱۵)؛ بنابراین مبنا برای هر بیرون رفتنی از منزل هرچند

کوتاه مدت و حتی بیرون رفتنی که با حق زوج منافات ندارد، بر زوجه لازم است که از زوج اذن بگیرد، مگر در مواردی استثنائی و ضرورت.

### قوامیت زوج

در حقوق ایران ریاست خانواده به عهده مرد است. ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی که مبتنی بر آیه ۳۴ از سوره نساء الرجال قوامون علی النساء بما فضل الله بعضهم علی بعض و بما انفقوا من اموالهم و فقه اسلامی است در این زمینه می‌گوید، در روابط زوجین ریاست خانواده از خصائص شوهر است در قاعده گفته‌اند: هر اجتماعی را باید رئیسی باشد که کارها را هماهنگ کند و در صورت بروز اختلاف نظر او قاطع باشد. خانواده نیز از این قاعده مستثنا نمی‌تواند باشد.

آنچه در فقه و حقوق اسلامی تحت عنوان قوامیت و ریاست شوهر بر زن آمده است به‌طور عمده برگرفته از آیه شریفه الرجال قوامین علی النساء سوره نساء آیه (۳۴) است و ازگان «قوام»، «قوامه» در لغت به معنای قیام و اشراف بر امر یا مال و ولایت امر آمده و به حمایت و سرپرست معنا شده است و نیز گفته‌اند که قوامه در لغت به معنای محافظت کردن و رعایت مصالح فرد از همین ریشه است. قیام به معنای کسی که بر امور چیزی قیام می‌کند و متولی آن می‌شود و آن اصلاح می‌نماید و اما قوام نیز به معنای قیام است با این تفاوت که قوام ابلغ و رساتر است که قیام‌کننده و عهده‌دار مصالح تدبیر و تأدیب است (۳۲).

قرآن کریم قوامیت را تنها در دایره عدالت و رضای خدا مجاز می‌داند و در پیشگاه خدای تنها ملاک برتری، تقواست نه جنسیت در فرهنگ قرآن قوامیت مرد کوچک‌ترین زمینه‌ای برای تسلط استبداد و تعدی باقی نمی‌گذارد. این توهم که آیه فوق زمینه تعدی و مردار زنان را باعث می‌شود شاید به جهت عدم تبیین معنای قوام در تحقیقات و پژوهش‌های قرآنی باشد. در مجموع دیدگاه اخیر که ریاست و قوام بودن مرد را به مسئولیت و تکلیف و حمایت برگردانیده نه حکومت و

سلطه و ولایت پسندیده‌تر به نظر می‌رسد به‌ویژه آن که با معنای لغوی «قوامه» که به معنی قیام به امر و حمایت و سرپرستی و حفظ و رعایت است سازگارتر است. به‌علاوه با مبانی عقلی و ادله ریاست مرد بر خانواده که پس‌ازاین موردبررسی و تبیین قرار می‌گیرد، هماهنگ است و به‌خوبی با اوضاع و شرایط و مقتضیات خانواده و اعضای آن مطابقت دارد. ازاین‌رو جمعی حتی به‌جای واژه ریاست شوهر عنوان سرپرستی یا مدیریت را به‌کاربرده‌اند (۳۳).

به گفته عبدالقادر عوده حقوقدان فقید مصری اقتداری که به مرد داده شده در برابر مسئولیت و تکلیفی است که بر دوش او نهاده شده است تا بتواند به بهترین شکل وظایفش را انجام دهد و این اجرای دقیق یک قاعده کلی شریعت است که قدرت ملازم با مسئولیت است (۳۴).

باید توجه داشت که ریاست شوهر در خانواده موردپذیرش تمامی فقها و امری انکارناپذیر است؛ اما محدوده این ریاست مورد اختلاف است. حالت سلطه گرایانه و حاکمیت که عظمت و جایگاه زن در خانواده نادیده گرفته شود به‌طورقطع مدنظر شارع نیست.

فرض تشکیل نظام شورایی که علامه جعفری آن را مطرح کرده‌اند معتقدند تصمیم‌گیری در خانواده باید با مشارکت و همراهی زن و شوهر صورت بگیرد اما در مرحله اجرا طبق گفت‌وگو دین مبین اسلام عامل اجرای این تصمیمات مرد خواهد بود و این حالت برای اداره منطقی خانواده شرط لازم و فوق‌العاده بااهمیت است؛ که درواقع این به معنای قوامیت مرد در خانواده است و این دیدگاه موردپذیرش اسلام است (۱۲).

### مستندات فقهی جراحی زیبایی

#### کتاب

در مورد آیات قرآنی در باب زیبایی فقها به دودسته مخالفین و موافقین تقسیم می‌شوند. مخالفین برای اثبات ادعای خود

میان کنش حق بر بدن زوجه و اختیارات زوج...

به آیات ۱۱۹ تا ۱۲۰<sup>۱</sup> سوره نساء و آیه ۱۳۸<sup>۲</sup> سوره بقره اشاره دارند. بر اساس این آیات، قائل به عدم مشروعیت جراحی‌ها زیبایی شده‌اند. یکی از این افراد آیت‌الله جوادی تبریزی است که صرف زیبا کردن صورت با جراحی‌ها (نه ترمیم) و تغییر شکل از اصل به صورت دیگر علت حرمت است. این موضوع در مورد عیوب مادرزادی نیز وجود دارد برای مثال بدشکل بودن بینی یا انحراف استخوان در صورت و ظاهر غیرطبیعی و... که ایشان با استناد به این آیات اشاره داشته‌اند که چنانچه عمل‌های زیبایی برای رفع عیب و عیوب عارضی ناشی از مادرزادی باشد، در این صورت جایز است ولی اگر برای صرف زیبایی و تغییر ظاهر اصلی زشت به ظاهر زیبا باشد، در این صورت نمی‌توان تغییر شکل داد. آیت‌الله خویی نیز قائل به این مسئله است (۳۵).

مبنای فقها در این آیات، تغییر خلقت است و بر اساس این آیات، تغییر خلقت عملی نامشروع تلقی شده است؛ اما آیا جراحی زیبایی، تغییر خلقت است؟

تغییر فیزیکی بدون ضرورت داشتن، اقدام به تغییر شکل اولیه یکی از اعضای بدن صورت گرفته‌شده است (۳۶).

در جمع‌بندی این بحث باید اشاره داشت که عموم مفسرین شیعه، در مورد تغییر خلقت اختلاف دارند، گرچه مخالف هستند ولی اینکه چه مصادیقی، تغییر تلقی می‌شود، اختلاف نظر دارند. برای مثال اگر کسی گوش خود را ببرد یا یک چشم خود را به شکلی دربیآورد و یا در ذات و کارکرد عضوی از بدن دخالت کند، در این صورت مصداق قاعده لا ضرر خواهد بود و این مسئله گناه است. ولی اگر تغییر به خاطر ظاهر زیباتر باشد، به هیچ‌عنوان نمی‌تواند شامل حرمت در تغییر باشد. چنانچه بحث‌های روانشناسی و حس زیبایی را در نظر بگیریم، این تغییر می‌تواند روحیه فرد را نیز شاداب

کند و نگارنده بر این نظر است که تغییر خلقت شامل تغییر در کارکرد عضو بدن و در نتیجه ضرر به عضو است، در این صورت تغییر خلقت می‌تواند مطرح باشد و نه در سایر موارد. یکی دیگر از ادله عدم جواز، زیبایی استناد به آیه ۱۳۸ سوره بقره برای عدم تغییر رنگ اولیه است. «صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ.» به رنگ خدایی بپذیرید. این آیه نیز با توجه به استدلال‌های گفته‌شده، مصداق تغییر اولیه خلقت است. آنچه در مورد مفسرین شیعه و فقها اشاره داشته‌اند، عبارت «صِبْغَةَ اللَّهِ» است و اگر بخواهیم، جراحی زیبایی را با این عبارت به معنای رنگ و تغییر آن در نظر بگیریم، نمی‌توان شامل جراحی زیبایی کرد. البته اینکه برخی با توجه به این آیه، موضوع را به جراحی زیبایی مشابهت می‌دهند، باید گفت که شان نزول این آیه با جراحی زیبایی متفاوت است. از ابن عباس روایت شده است که این آیه در اشاره به شستن نوزادان مسیحی با آب زرد به مدت هفت روز است که آن را منجر به تطهیر کودک می‌دانستند. لذا رنگ را در اشاره به این رنگ زرد آورده و طهارت را مصداق ایمان به خدا دانسته و به همین خاطر گفته شده است که هیچ رنگی بالاتر از رنگ خدا نیست (۳۷).

آیاتی که گفته شد، در مورد رد جراحی بیان شد، حال آیاتی را مورد اشاره قرار می‌دهیم که جواز جراحی زیبایی می‌توانند باشند.

آیات ۳۱ و ۳۲ سوره اعراف است. «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ»، این آیات بیشتر در مورد بهره بردن از زیبایی‌ها و مظاهر مادی است و اشاره به این دارد که خداوند زیبایی را دوست دارد، چراکه برای بهره بردن از زندگی باید به زیبایی نیز توجه داشت منظور از زینت، زینت‌های جسمانی همچون پوشش، شانه زدن مو است؛ و بر این اساس برخی فقها از این آیه استفاده کرده و برای جراحی زیبایی جواز صادر کرده‌اند. در واقع این دو آیه دعوت الهی است از انسان برای بهره بردن از زیبایی‌های مادی و معنوی.

۱. وَ لَأَضَلُّهُمْ وَ لَأَمْنِيْنَهُمْ وَ لَأَمْرُنَهُمْ فَلْيُبَيِّنْكَنْ آذَانَ الْأَنْعَامِ وَ لَأَمْرُنَهُمْ فَلْيَغْيِرْنَ خَلْقَ اللَّهِ وَ مَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُبِينًا. يَجْذِبُهُمْ وَ يَمْنِيْنَهُمْ وَ مَا يَجْعَلُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا.  
۲. صِبْغَةَ اللَّهِ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَ نَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ.

آیات ۷۰ و ۷۱ سوره الرحمن یکی دیگر از این آیات است. این آیه نیز در مورد زیبایی زنان بهشتی نازل شده است و اشاره به حسن صورت و سیرت زنان بهشتی دارد. جراحی زیبایی هم به عنوان زیبایی مادی در نظر گرفته می شود و در نتیجه هدف از جراحی زیبایی زیبا کردن شکل و فرم و در نتیجه بهره بردن از آن است و این مسئله منافاتی با این آیه ندارد و این آیات نشان از مشروعیت زیبایی زنان است.

### سنت

در کتاب معانی الاخبار روایت شده؛ پیامبر اکرم (ص) هشت گروه نامصه، مفتصمه، واشره، موتشره، واصله، مستوصله، واثمه و مستوثمه را لعن فرمود. شیخ صدوق می فرماید: نامصه کسی که مو را می کند؛ و منتصمه کسی است که با او این کار انجام می شود واشره کسی است که دندان هایش را تیز می کند؛ و بین آن فاصله می اندازد و موتشره کسی است که این کار با او انجام می شود واصله کسی که موی زنی را به موی زنی دیگر پیوند می دهد و مستوصله کسی است که این کار با او انجام می شود. واثمه کسی است که با سوزن خطوطی در دست زن و یا قسمتی از بدنش می کشد. بدین معنا که در دست یا پشت کف دست یا قسمتی از بدنش را سوزن فرومی کند تا اثری در آن بماند پس آن را با سرمه و یا نوره پر می کند و آن اثر را به رنگ سبز باقی می ماند و مستوثمه کسی است که با او این کار انجام می شود (۳۸).

خال کوبی یکی از مصادیق تزئین است که در این روایت انجام آن نهی شده است (۳۷).

این روایت به دلیل ضعف سند نمی تواند مستندی برای حکم به حرمت مصادیق تزئین و به تبع آن منع از جراحی زیبایی باشد علاوه بر آن، این عمل نوعی اضرار به نفس تلقی شود که طبق قاعده لا ضرر مشمول حرمت خواهد شد و چنانچه مصادقش مثل خال کوبی متضرع بر وجود عنوان ضرری و یا

۱. فَيَهْنَ خَيْرَاتُ جِسَانٍ، فَيَأَيَّ الْآلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ. حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ.

همراه انجام فعل جراحی شود طبق قاعده مشمول حرمت نه نفس عمل خواهد شد.

ابن ابی عمیر احمد بن محمد از علی بن احمد بن اثیم از ابن ابی عمیر از مردی از امام صادق (ع) روایت می کند. زنی آرایشگری نزد پیامبر اکرم رفت رسول خدا از وی پرسید آیا شغلش را رها کردی یا به آن ادامه می دهی؟ زن آرایشگر پاسخ داد ای رسول خدا آن را ادامه می دهم مگر آن که شما مرا از آن بازدارید در این صورت از آن دست برمی دارم پیامبر اکرم به وی فرمود انجام بده ولی هنگام، آرایش چهره را با پارچه جلانده چون آن طراوت و شادابی صورت را از بین می برد و مو را به مو وصل نکن (۳۹).

وجه استدلال در این روایت پیامبر اکرم صلی الله علیه واله و سلم برخی از انواع تزئین، مثل جلا دادن با پارچه و اتصال موی به موی دیگر را مورد نهی قرار داد عمل زیبایی هم گاه جلا دادن چهره به وسیله ساییدن لایه برداری با کشیدن پوست صورت محقق شده و گاه با کاشتن یا اتصال مو به افزایش چهره متقاضی کمک می کند که مشمول نهی این خبر است. این روایت ضعف سندی داشته و برفرض پذیرش آن اطلاق لفظی اش دلالت بر جواز اصل تزئین و به طور خاص آرایشگری دارد. همچنین برفرض پذیرش قاعده تسامح در ادله سنن می توان تنها حکم به کراهت کشیدن پارچه بر روی صورت و یا اتصال مو کرد که در نتیجه حرمتی متوجه عمل های زیبایی نخواهد بود.

از ابو جعفر (علیه السلام) درباره کلاه گیس که زنان به موی خود متصل کرده سؤال شد. حضرت فرمود: آنچه را که زن برای همسر خود به جهت آرایش انجام می دهد اشکالی ندارد گفت: به امام گفتم که از رسول خدا (ص) خبری شنیدم که ایشان واصله و موصولی را لعنت کرد امام فرمود این چنین نیست. همانا رسول خدا واصله ای را که در جوانی زنا می داد و در سنین پیری قوادی می کرد را مورد لعنت قرار داد. وجه استدلال در این

## میان کنش حق بر بدن زوجه و اختیارات زوج...

روایت از ابوجعفر (ع) در مورد حکم اتصال کلاه گیس به موی زن سؤال شد که حضرت در جواب فرمودند: لا باس علی المرأة بما تزینت به لزوجها اطلاق لفظی این خطاب به وسیله استعمال ماموسوله هرگونه مصداق تزیین برای غیر، شوهر اعم از اتصال گیس مصنوعی از خودآرایی برای غیر شوهر باشد جایز نخواهد بود (۴۰). این روایت ضعف سندی دارد و برفرض پذیرش آن میان روایت اسکاف و اطلاق روایت‌ها قبلی تعارض وجود دارد در نتیجه استناد به این حدیث برای نهی از عمل زیبایی کافی نخواهد بود.

عبدالله بن حسن می‌گوید از امام (ع) درباره تامل سؤال کردم امام فرمود تامل چیست؟ گفتم: پشمی که زنان روی سرشان می‌گذارند امام (ع) فرمود: اگر پشم است اشکالی ندارد ولی اگر مو باشد در وصل کننده و وصل شده اش خیری نیست (۳۸).

هرچند اطلاق لفظی این خبر دلالت بر جواز اصل تزیین دارد ولی تعبیر «پس خیری درش نیست» ظهور در حرمت اتصال موی زن به زن دیگر داشته و این مورد را از دایره حکم به جواز خارج کرده است. این روایت نیز مشکل سندی داشته و برفرض پذیرش، آن مخالفتی با اصل تزیین و جراحی زیبایی نداشته و تنها نهی از اتصال موی یک زن به زن دیگر کرده که قرینه‌های موجود حاکی از وجود غرر در این مسئله است؛ بنابراین استناد به این خبر برای نهی از جراحی زیبایی کافی نیست.

روایاتی نیز در تأیید جراحی زیبایی می‌توان منتسب نمود. یکی از این روایات، روایت ابو بصیر است.

که در این روایت، امام صادق (ع) به نقل از امیرالمؤمنین (ع) فرمود: خداوند به خاطر زیبایی اش دوست دارد که اثر نعمت‌هایش را در بندگان ببیند (۴۰).

### عقل

همه مسائل در آیات و روایات مورد اشاره واقع نشده است. از

سوی دیگر مسائل مستحدثه جدیدی نیز وارد می‌شود و با توجه به امکانات زمان، ممکن است این موارد را در آیات و روایات نیافت. لذا برای اینکه احکام آن از آیات و روایات استنباط شود، ناچار باید به مسائل عقلی رجوع کرد. برخی افراد که در ظاهر عیبی در صورت یا هر عضوی از بدن ندارند، به انجام عمل زیبایی اقدام می‌کنند. برای مثال شکل صورت یا گونه یا لب را می‌خواهند به گونه دیگری درآورده و از این منظر برای خود زیبایی به ارمغان بیاورند. برخی نیز واقعاً دارای عیوبی هستند. این عیوب گرچه از نظر پزشکی برای وی آسیب‌زا نیستند ولی همین موارد می‌تواند بیماری‌های روحی فراوانی را برای شخص به ارمغان بیاورد. در نتیجه سخت برای احتراز از این موضوع اقدام به عمل زیبایی می‌کند. عقل در این موضوع حکم می‌کند که شخص از بروز بیماری روحی که مراتب سخت از بیماری جسمانی است، اجتناب کند و به همین خاطر اقدام به عمل زیبایی می‌کند. در واقع عقل ایجاب می‌کند که از ضرر جلوگیری کند و حکم این مسئله از شرع به وسیله عقل قابل درک است؛ بنابراین مفاد آیات و روایاتی که دلالت بر نفی ضرر دارد به نوعی ارشاد به حکم عقل است.

این دلیل صلاحیت استناد برای حکم به جواز انواع جراحی‌های طبی مثل جراحی قلب استخوان چشم و سینه را دارد. جراحی ترمیمی هم از این حکم مستثنا نبوده و تحت عنوان یکی از روش‌های جراحی پلاستیک مشروعیت فقهی پیدا کرده است به عنوان مثال شنقیطی صاحب کتاب در احکام الجراحة الطبیبة و آثار المترتبة علیها در دو موضع از کتاب خویش درباره وجوب دفع ضرر به وسیله انجام جراحی ترمیمی می‌نویسد:

۱. برای مکلف دفع سختی و علاج بیماری‌های که نیازمند عمل جراحی بوده و به وسیله جراحی جایز است. همان‌طور که دفع جمله برنده و محارب به واسطه جنگیدن با او اشکالی ندارد. چون دفع سختی ضرر برای هر دو وجود دارد

وجود ماست و تلقی امانی از بدن، تفسیری غیرواقعی از این قضیه است (۴۵).

برخی فقها سلطنت انسان بر نفس خویش را مطرح کرده‌اند؛ بدین صورت که گاه در مبادله ملک عنوان حق و بر معامله‌کننده صدق نمی‌کند؛ اما عنوانی چون سلطنت می‌تواند صادق باشد مثل سلطه مردم بر نفس خود؛ که این امری عقلایی است؛ همان گونه که انسان بر اموال خویش سلطه دارد بر نفس خویش نیز تسلط دارد و می‌تواند هرگونه تصرفی در آن بکند. البته مشروط اینکه از نظر عقلا و شارع معنی وارد نشده باشد. فلذا انسان‌ها همان گونه که نسبت به اموالشان تسلط دارند بر نفوس خویش نیز مسلط‌اند؛ اما تسلط آنان محدوده دارد و محدوده آن منع شارع و مفاد قاعده لا ضرر است.

#### قاعده لا ضرر

قاعده لا ضرر به اتفاق علمای اهل تشیع و تسنن یکی از قواعد مسلم فقهی است که مستند روایی آن نیز روایت «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» است. معنا و مفاد حدیث لا ضرر آن است که ضرر در اسلام مشروعیت ندارد ولی عدم مشروعیت ضرر هم شامل مرحله قانون‌گذاری می‌شود و هم شامل مرحله اجرای قانون (۴۶).

علاوه بر دلایل لفظی، بنای عقلا پشتوانه محکمی برای این قاعده محسوب می‌شود (۴۷). در واقع باید گفت مدلول این قاعده جزء مستقلات عقلیه است. اینک با توجه به اینکه جراحی‌های زیبایی در کنار نتیجه‌ای که به شرط فراهم بودن تمام عوامل برای فرد حاصل می‌کند، انسان را نیز در معرض خطراتی قرار می‌دهد که فرد از آن‌ها مطلع است و با خواست خود در دام آن خطرات می‌افتد. اگرچه طبق قاعده تسلیط انسان‌ها بر نفس و امور مربوط به آن مسلط هستند اما این احاطه محدود شده و طبق قاعده لا ضرر انسان مجاز به انجام کاری که وی را در معرض ضرر خطر و جراحات شدید قرار دهد

۲. شکی نیست که تحمل عیوب مادر زادی یا عارضی ضرر جسمی درد و روانی در گوشه‌گیری به شخص بیمار وارد خواهد کرد که این مطلب از منظر دانش ثابت شده است بر این اساس مشارع سخت نگرفته و به این بیماران اجازه انجام این جراحی ضروری «ترمیمی» را داده است (۴۱).

#### قواعد فقهی مرتبط با جراحی های زیبایی

##### قاعده تسلیط

قاعده تسلیط یا سلطنت یکی از مهم‌ترین قواعد فقهی برگرفته از حدیث نبوی «إِنَّ النَّاسَ مَسْلُطُونَ عَلَى أَمْوَالِهِمْ» است (۴۲). بر اساس این قاعده، هر شخصی نسبت به مال خود سلطنت دارد و هرگونه تصرف در آن مال اعم از خرج و یا تلف آزاد است. در مورد کاربرد این قاعده بر اساس نظر صاحب‌نظران اختلاف است (۳۳). برخی از فقیهان معتقدند که قاعده تسلیط، علاوه بر اموال، حقوق را نیز در برمی‌گیرد، زیرا هرچند روایت نبوی مشهور فقط تسلط بر اموال را بیان کرده است، اما به طریق اولی شامل حقوق نیز می‌شود و بنای عقلا هم دلالت بر تسلط مردم بر حقوق خویش دارد (۳۳) و (۴۳). همچنین، تسلط و اختیار مردم نسبت به دیگر امورشان همچون تسلط بر انفس نیز ثابت می‌گردد (۴۳ و ۴۴). در چند آیه از قرآن مجید چنین عطفی وجود داشته و نساخ و کاتبین به دلیل انس ذهنی به آیات مزبور، دچار چنین اشتباهی شده‌اند؛ اما فقهای معاصر با استفاده از قاعده اولویت تسلط بر نفس را استنتاج کرده‌اند (۳۳).

باید توجه داشت که رابطه انسان با اعضای بدن نکته مهمی است که حتی حدود تصرفات انسان را می‌تواند مشخص سازد. همان‌طور که به تفصیل بیان شد، برخی همچون صاحب عروه رابطه انسان با بدن را مالکیت تفسیر می‌کنند و برخی دیگر نیز آن را امانت می‌دانند. اینکه رابطه انسان با بدن خود، رابطه مالکیت است، امری است حقیقی چراکه وجود اعضا قائم به

## میان کنش حق بر بدن زوجه و اختیارات زوج...

نخواهد بود و لذا اگر فرد آگاه است به اینکه نتیجه عمل برای او بنا به دلایلی مضر است. بنا به مفاد قاعده مذکور، پرهیز از آن امری واجب و ضروری است.

### قاعده دفع ضرر محتمل

قاعده دفع ضرر محتمل از قواعد عقلی است که مضمون آن حکم عقل به دفع ضرر محتمل و یا مظنون است؛ بنابراین اگر انسان درباره چیزی احتمال ضرر بدهد، از نظر عقل، دفع آن ضرر محتمل واجب است. موضوع وجوب دفع ضرر محتمل جایی است که احتمال ضرر باشد؛ یعنی جایی که به لحاظ دنیوی احتمال ضرر و خطر و یا به لحاظ اخروی احتمال کیفر و عقاب باشد. عقل حکم به دفع این احتمال داده و الزام بر فعلی که در آن احتمال ضرر دنیوی و یا احتمال عقاب اخروی هست عقل، قبیح می‌داند و دفع آن ضرر محتمل را واجب می‌داند. با توجه به اینکه وجوب دفع ضرر محتمل یک حکم عقلی است لذا تخصیص بردار نیست و ویژگی احکام عقلی را دارد که غیرقابل تخصیص است. کاربرد قاعده وجوب دفع ضرر محتمل هم صرفاً محدود به پاره‌ای امور شرعی نیست، بلکه در همه جوانب زندگی کاربرد دارد. در بحث احتیاط نیز یکی از ادله عقلی که برای وجوب احتیاط به آن استناد می‌شود همین قاعده است (۴۸).

بر اساس مفاد قاعده مزبور به‌طور کلی اعمال جراحی همواره دارای آسیب‌های احتمالی است لیکن شدت و ضعف زیان احتمالی در عرف عقلاً مورد توجه قرار می‌گیرد.

### مبانی حقوقی جراحی زیبایی و اذن در نظام ایران

به‌طور کلی در قانون ایران، ماده قانونی دال بر این که زن را از جراحی یا خال‌کوبی بدون اجازه شوهر منع کند، وجود ندارد؛ بنابراین با توجه به اصل عدم ولایت که از اصول مسلم فقهی - حقوقی است و اینکه ولایت تصرف در امور جان و مال و سایر

(حقوق) دیگری نیازمند دلیل است و کسب رضایت زوج برای درمان زوجه به‌نوعی دخالت در امور دیگری است که دلیلی برای آن وجود ندارد، کسب رضایت زوج برای انجام اعمال جراحی یا طبی زوجه فاقد دلیل است (۴۹). به همین دلیل، برای جراحی، پزشک و مراکز درمانی نیازی به دریافت رضایت کتبی همسر ندارند؛ اما طبق قوانین ایران، یکی از مهم‌ترین وظایف زن در مقابل همسر، تمکین است. به این ترتیب، اگرچه طبق قانون مشکلی برای جراحی زیبایی زن بدون اجازه او وجود ندارد، لیکن در صورت نارضایتی شوهر، این عمل زن سوء معاشرت و عدم تمکین محسوب می‌شود و مرد می‌تواند اعلام طلاق نماید. قانون مدنی در ماده ۱۱۰۲ زن و شوهر را به حسن معاشرت باهم تکلیف کرده است. حفظ نهاد خانواده آن چنان ارزشمند است که بایستی برای تمکین آن از بعضی منافع شخصی گذشت.

### نتیجه‌گیری

در مورد رابطه مالکیت روابط مختلفی از جمله اعتباری، ذاتی، سلطه، حقیقی و حقوقی و مالکیت وجود دارد که با بررسی‌های صورت گرفته مشخص شد انسان بر بدن خود مالکیت و سلطنت دارد که به‌نوعی این رابطه ذاتی است. انسان بر مبنای عقل و بر اساس قاعده فقهی الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم، رابطه ذاتی بین بدن و خود را ثابت می‌کند و خود می‌تواند در مورد آن تصمیم‌گیری نماید.

فقها در مورد جواز جراحی زیبایی نظرات مختلفی بیان نمودند که با واکاوی مستندات فقها از هر دو گروه بدین استنتاج دست‌یافتیم که جراحی زیبایی مصداق تغییر خلقت بشمار نمی‌آید و با بهره‌گیری مدارک وحیانی مشروعیت آن را به اثبات رساندیم.

از طرف دیگر مسأله قیمومیت زوج در نصوص بیان شده است لیکن قوامیت به معنای سلطه‌گری نیست بلکه مقتضای

### عطیه مقدم فر و مهسا نیکوکار

نماید و اجازه شوهر یا ولی وجه شرعی ندارد لیکن به جهت وجوب تمکین از سوی زوجه، استقلال زوجه در عمل جراحی زیبایی مادامی که خللی بر روابط زناشویی ایجاد نکند و منافاتی با حقوق جنسی زوج نداشته باشد جایز است.

سرپرستی و مسئولیت مرد است که مدیریت خانواده را دربردارد، لذا خود قوامیت فی نفسه ملازمه‌ای با عدم استقلال زوجه در عمل جراحی زیبایی ندارد. لذا در مورد عمل و جراحی زیبایی شخص بر بدن خود مالکیت دارد و می‌تواند مبتنی بر این امر اقدام به عمل زیبایی

## References

1. Badini, Hassan and Banshi, Mojtabi (1400), the basics of human rights over his own body; Expressing the work theory and proposing the theory of the body for the body, Legal Journal of Justice, Volume 85, Number 113, Spring. [Persian]
2. Miller, Ruth Austin (2007). The Limits of Bodily Integrity: Abortion, Adultery, and Rape Legislation in Comparative Perspective. Ashgate Publishing.
3. Mohaghig Damad, Seyyed Mustafa, Jurisprudence Rules, Civil Section, 1384, Tehran, Islamic Sciences Publishing House, 12th edition. [Persian]
4. Tarihi, Fakhreddin (1416), Majma Al-Baharin, Volume 6, 3rd edition, Tehran: Mortazavi Bookstore Publications. [Persian]
5. Qorshi, Ali Akbar (1412), Quran Dictionary, Volume 1, 6th edition, Tehran: Darul Kitab al-Islamiya. [Persian]
6. Graner, Bryan A (Editor in Chief) (2004), Black's Law Dictionary, 8th edition, West Group.
7. Fasihzadeh, Alireza (1377), Permission and its legal effects, first edition, Islamic Publication Center affiliated with Qom Seminary. [Persian]
8. Rahimi, Habibullah, Sadeghi, Mohammad Javad, Omani Samani, Reza (2013), husband's consent in performing medical or surgical procedures of his wife, Journal of Private Law, Volume 8, Issue 1, Spring and Summer. [Persian]
9. Shahid Sani, Zain al-Din al-Jaba'i al-Amili (1412 AH), al-Rawzah al-Bahiyyah fi Sharh al-Ma'at al-Damashqiyyah (Al-Mahshi - Sultan al-Ulama) (2-volume series), vol. 2, ch. 1, Qom, publications of the Islamic Propaganda Office of Qom Seminary. [Persian]
10. Atari M, Barbaro N, Sela Y, Shackelford TK (2017), Chegeni R. Consideration of Cosmetic Surgery As Part of Women's Benefit- Provisioning Mate Retention Strategy. Front Psychol
11. Olsen, Meryl (2008), Cosmetic Surgery, translated by Shahroz Farhang, Tehran: Key Education Publications. [Persian]
12. Roshan Najafi, Zahra (2019), the authority of each spouse to require or prohibit the other from unnecessary physical possessions, master's thesis, University of Judicial Sciences and Administrative Services. [Persian]
13. Rajae, Fatemeh, Mohagheg Damad, Mustafa, Mousavi, Seyyed Mohammad Sadegh (2013), jurisprudential and legal review of human relationship with body parts, Islamic jurisprudence and law number 2. [Persian]
14. Najafi, Sheikh Mohammad Hasan (1404 AH), Jawaharlal Kalam in the interpretation of Sharia al-Islam (43-volume series), Vol. 43, Ch. [Persian]
15. Faizi Taleb, Aziz (2008), a series of jurisprudential researches on the rights of organ transplantation, first edition, Qadha, Qom. [Persian]
16. Allameh Hali, Hasan bin Yusuf (1413), Qaa'eem al-Ahkam fi Ma'arfa al-Halal and al-Haram, 1st edition, Tehran: Nashr al-Islami Publications. [Persian]
17. Hosseini Rouhani, Seyyed Sadiq (1371), Fiqh al-Sadiq, peace be upon him, volume 1, first edition, Dar al-Kitab Islami - School of Imam Sadiq, peace be upon him, Qom. [Persian]
18. Asghari Aghmashedi, Fakhreddin, Kazemi Afshar, Hajer (2008), the relationship between man and his body parts from the point of view of jurisprudence, studies of jurisprudence and Islamic law, number 1. [Persian]
19. Javadi Amoli, Abdullah (1378), Tasnim Tafsir Qur'an, Karim, Volume 1, First Edition, Isra Publishing Center, Qom. [Persian]
20. Tabatabaei, Seyyed Mohammad Hossein (2019), Tafsir al-Mizan, Volume 1, translated by Seyyed Mohammad Baqer Mousavi Hamdani, Islamic Publications Office. [Persian]
21. Rahmani Manshadi, Hamid, Abbasi, Mahmoud, Bardestan, Joladari, Daud (2013), Comparative study of human legal relationship with tissues and laboratory samples, Medical Law Quarterly, Year 8, Number 30, Fall. [Persian]
22. Tawakli, Saeed (1382), Al-Turqee and Zare Al-Azab in Islamic Fiqh, Astan Quds Razavi Publications [Persian]
23. Shahidi, Mehdi (2010), Civil Laws of Forming Contracts and Obligations, Volume I, Second Edition, Majd, Tehran. [Persian]
24. - Naini, Mirza Muhammad Hossein Gharavi (1413 AH), Al-Makasab wa Baya (Lalmirza Al-Naini), Volume 1, first edition of the Islamic Publications Office affiliated to the Qom Seminary Madrasin Society, Qom. [Persian]
25. Mousavi Khomeini, Seyyed Mustafa (1418), Mousavi Kitab al-Baya (for Seyyed Mostafa

- Al-Khomeini), volume 1, first edition of Imam Khomeini's Quds Sareh Editing and Publishing Institute, Tehran. [Persian]
26. Shaygh, Mehdi (2015), the rule of monarchy and the flow of that monarchy over the soul and body parts, interdisciplinary research journal, jurisprudence, number 8. [Persian]
  27. Mousavi Khomeini, Ruhollah (1383), Tahrir al-Wasilah, Qom, Dar Alam Press Institute. [Persian]
  28. Shoja Pourian, Siavash, Contractual responsibility of the doctor towards the patient, 2009, Tehran, Ferdowsi Publishing House, first edition. [Persian]
  29. Fazel Handi, Sheikh Muhammad (405), Kashf al-Latham and Al-Abham on the Qa'aw al-Ahkam, Islamic Publications Institute affiliated with the Madrasin Community of Qom: Qom, Vol.7. [Persian]
  30. Mehrizi, Mehdi, (2014), New religious thinking and the issue of women, Vol. 7, Qom, Humanity Institute of Religious Studies. [Persian]
  31. Emami, Hassan (1402), civil rights, volume 1, 17th edition, book store, Islamiyeh, Tehran. [Persian]
  32. Tabarsi, Fazl bin Hasan (1372), Majma al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an, Nasser Khosrow: Tehran, 3rd edition, volume 3. [Persian]
  33. Mohaghegh Damad, Seyed Mustafa (2004), jurisprudence review of family law (marriage and its dissolution), Islamic Publication Center: Tehran, 11th edition. [Persian]
  34. Oudeh, Abd al-Qadir (1418), Islam and Laws, Cairo: Al-Mukhtar al-Islami for Printing and Publishing and Distributing. [Persian]
  35. Mousavi Khoei, Seyyed Abul Qasim (Bita), Sarat al-Najat (Al-Mahshi Lal Khoei), Bija, Vol. 1. [Persian]
  36. Kariminia, Mohammad Mahdi (2009), Gender change from the point of view of jurisprudence and law, Publications of Imam Athar Fiqh Center, Qom, 1st edition. [Persian]
  37. Farajpour, Hassan (2016), jurisprudential review of cosmetic and reconstructive surgery based on the view of Imam Khomeini (RA), master's thesis, Imam Khomeini and Islamic Revolution Research School. [Persian]
  38. Haraami, Muhammad bin Hasan (1409 AH), Details of the means of the Shiites to learn the issues of the Shari'ah (30 volume series), Vol. 29, Ch. I, Qom, Al-Bayt Institute. [Persian]
  39. Nasiri, Ali (1382), Introduction to Hadith Sciences, Qom Seminary Center Publications, first edition, Spring. [Persian]
  40. 1- Kilini, Muhammad Ibn Yaqub (1407), Al-Kafi, Dar Al-Katb al-Islamiya, Tehran, 4th edition, vol. 6. [Persian]
  41. Shenqaiti, Muhammad bin Muhammad al-Mukhtar (1415), The rulings of al-Jarrah al-Tabiyyah and the effects associated with them, School of Companions, Jeddah Al-Sharifah, Al-Tee'ah al-Thaniyyah. [Persian]
  42. Majlisi Muhammad Baqir (1403), Bihar al-Anwar al-Jamaa Lederer Akhbar al-Imam al-Athar, peace be upon them (Beirut: Dar Ihya al-Trath al-Arabi, 1403 AD), vol. 2. [Persian]
  43. Makarem Shirazi, Nasser (1416), al-Qasas al-Fiqhiyyah, vol. 2, Qom: Madrasah of Imam Ali bin Abi Talib (a.s). [Persian]
  44. Mustafawi, Mohammad Kazem (1421), Al-Qasas al-Fiqhiyyah, Qom: Islamic Publications Institute affiliated with Qom Madrasin Seminary. [Persian]
  45. Arab, Nilofar (2015), The foundations and jurisprudence-legal rulings of human and animal cosmetic surgery, master's thesis in the field of theology - foundations of Islamic jurisprudence and jurisprudence, Semnan University. [Persian]
  46. Hosseini Siستاني, Seyyed Ali (1414), The Rule of Harm and Loss, Qom, Ayatollah Siستاني's Publishing House. [Persian]
  47. 1- Hosseini Tehrani, Seyyed Mohammad Mohsen (1401), Rules of Jurisprudence, Volume 1, Maktab Wahi: Tehran. Print 1... [Persian]
  48. Lotfi, Asad (1391), the rule of obligation to avoid possible loss and its application in the civil procedure law, judicial legal perspective, number 59, autumn. [Persian]
  49. Yazdian Jafari, Jafar (2013). Examining the crime of refusing to help people at risk, Medical Law Quarterly, Year 8, Number 31, Winter 3. [Persian]

## Between the Right Action on the Wife's Body and the Husband's Authority in Cosmetic Surgeries

Atieh Moghadam Far<sup>1\*</sup>, Mahsa Neko Kar<sup>2</sup>

### Abstract

**Background:** Cosmetic surgery is one of the emerging issues in jurisprudence, which was not discussed in the current form in the age of the innocent, but its rules can be deduced from jurisprudence rules and narrative texts. The prevalence of this event among women and the conflicts that arise between couples before it, to express the purpose of choosing this topic.

**Materials and methods:** This research has processed library and software data descriptively and analytically by using verses and narrations.

**Findings:** Scholars of jurisprudence have expressed different opinions about the permissibility of cosmetic surgery. By explaining the arguments of jurists, it can be seen that cosmetic surgery is not considered a form of transformation and its legitimacy can be inferred by using sources of narration.

Also, marital status in religious texts does not mean domineering, but rather, it follows the man's responsibility to manage the family, which does not conflict with the right to the wife's body.

**Conclusion:** According to the jurisprudential rule of subjugation, the wife has the right to rule over her body, and the husband's authority to give the man responsibility and management does not conflict with the wife's authority over her body, and the principle is the absence of the husband's authority. Do not enjoy sex with your husband.

**Key words:** Right to the Body, Submissive Rule, Permission, Cosmetic Surgery

1\*. Corresponding author, Assistant Professor, Islamic Jurisprudence and Law Department, Refah Faculty, Tehran, Iran

moghadamfar@refah.ac.ir

2. Master's degree, Department of Family Law, Faculty of Welfare, Tehran, Iran